

مقاله زیرین پیشنهاد يك تحقيق علمي است به دانشگاه ويابموسسه تحقيقات اجتماعي . از نظر اهميت موضوع براي مطالعه در اوضاع اجتماعي ايران ، هيئت تحريريه مجله مسائل ايران توصيه ميكند كه دو مقام صلاحيتدار تحقيقاتي فوق درباره اين پيشنهاد تصميم بگيرند و در صورت امكان نتايج تحقيقات و اقدامات خود را براي درج به دفتر اين مجله ارسال فرمايند .

مسائل ايران

طرح يك تحقيق علمي درباره رابطه خصوصيات رواني اولياء با ناراحتيهاي رواني در کودکان و جوانان ايران .

اين نويسنده در امريكا عنوان تز دكترای خود را در رشته روانشناسی درمانی در مورد تاثیر تربیت اولياء در بوجود آوردن امراض رواني و بخصوص شيزوفرنی انتخاب كرد بیشتر باين منظور كه هنگام بازگشت بايران بتواند اين نوع تحقيق را كه بنظر او از اصولي ترين مسائل ايران بشمار ميرود ادامه دهد . بطوركلي نتيجه تحقيقات دامنه دار در كشورهاي آمريكا و اروپا نشان ميدهد كه قسمت عمده از امراض رواني بستگی به گذشته تلخي دارد كه فرد در خانواده داشته و در حقيقت منشاء جاده را كه به شيزوفرنی يا بيماريهاي ديگر شخصيت منتهی ميشود در چند سال مهم اوليه زندگي بايد پيدا كرد . تعارض يا كشمكش هاي موجود در خانواده ناراحت سبب جلوگيري از تربيت لازم براي سازش با محيط ميگردد . ناراحتيهاي كودك نه فقط بنسب روابط غيرعادي پدر و مادر است بلكه تكامل رواني او بستگی زيادي بر رابطه كه او با هر يك از اولياء برقرار ميكند دارد . در حال حاضر دو نوع تئوري علمي در مورد اولياء اطفال و جواناني كه اختلالات رواني دارند موجود است يكي از اين تئوريها كه تا اندازه زيادي با آزمائشهاي علمي مورد تائيد قرار گرفته ادعا مي نمايد كه مادرهاي افراد مبتلا به شيزوفرنی (كه مشكل ترين و وسيع ترين نوع امراض رواني است) داراي مشخصات بخصوصی هستند كه عبارتند از تسلط و سردی و گاهي محافظت زياد از كودكان . تئوري دوم براي ستكه پدريهاي افراد ناسالم بر دو نوعند يكي آنهايي كه پر خاشجو و سخت گير و محدود كننده بوده و ديگر آنهايي كه ضعيف و بي اراده و بدون محبت مي باشند . اين قسمت دوم را كه مربوط به رابطه پدران و كودكان ناسالم است نويسنده براي اولين بار در امريكا بطرز علمي تحقيق نمود و به نتايج مشابهي كه ديگران در مورد رابطه مادران با كودكان ناراحت بدست آورده اند رسيد . بر اساس اين تحقيق كه در آن گروه زيادي از پدارني كه داراي كودكان بيمار بودند با پدارني كه كودكان سالم داشته مقايسه شد آشكار گرديد كه خصوصيات معيني در رفتار پدران اطفال ناسالم وجود دارد كه مسبب توليد بيماري رواني در آنها ميگردد . در اين تحقيق از تستهاي رواني متعددي توأم با مصاحبه هاي مكرر استفاده شد كه در قسمت بعدي اين مقاله از لحاظ

متدولوژی بآن اشاره خواهد شد.

قبل از بحث در متدولوژی باید گفت که در تاریخ روانشناسی و روانپزشکی و روانکاوای پیشروان بزرگ این علوم نیز اهمیت اثراتی را که اولیاء روی رفتار کودکان خود میگذارند بخوبی درک نموده‌اند. مثلاً فروید که اساس مکتب روانشناسی او بر پایه‌های روابط خانوادگی گذاشته شده است معتقد است که در اوائل زندگی برای اغلب کودکان اولیاء آنها منبع قدرت و الهام و ارضاءند درین هنگام شدیدترین و واجبترین آرزوی کودک تقلید از اولیاء بوده و تنها خواسته او اینست که همانند آنها باشد. ولی موقعیکه کودک تکامل می‌یابد این پرستش بی‌قید و شرط نقصان یافته و او با مقایسه اولیاء خود با اولیاء اطفال دیگر عقاید جدیدی نسبت به پدر و مادر خود پیدا کرده و شروع به شك و تردید در مورد پسنیده بودن بعضی از خصوصیات آنها می‌نماید. بر اساس آنچه که گفته شد دیده میشود که بعقیده فروید تمامیت تشکیل شخصیت فرد مبتنی بر وقایعی است که برای او در زمان کودکی رخ داده است. این نظریه فروید زیر بنای نظری تمام تحقیقاتی که بعدها راجع به روابط خانواده و کودک شده است بود. اخیراً روانشناسان و دانشمندان دیگر این تئوری بخصوص فروید را هم از لحاظ نظری و هم از جنبه آزمایشی و تحقیقی مورد مطالعه دامنه‌داری قرار داده‌اند. اشخاص مهم و دانشمندی مانند سالیوان

Sullivan Fromm و فرام Horney و آرتیه -

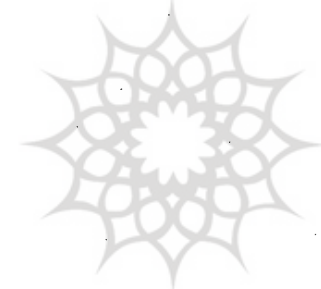
و روزن Ariete Rosen اهمیت فراوان این مطلب را با ارائه نظریات و تحقیقات علمی متذکر شده‌اند. فی‌المثل سالیوان که از پیش‌گسوتها و بزرگان تئوری شخصیت است خاطر نشان می‌سازد که شخصیت غیر عادی بسبب روابط آمیخته با اضطراب و نگرانی شدیدی است که اولیاء با کودکان خود دارند. این رابطه بمثال ضربه‌ایست که بمغز خورده میشود بدینمعنی که اتفاقات مربوط بآن ضربه مبهم و تاریک در مغز میماند ولی اثرات آن ترس و اضطراب شدیدی مربوط بانگیزه ضربه آورنده ایجاد می‌نماید. بنظر لوی Levy که از محققین با اهمیت این موضوع است محافظت شدید و یا از خود راندن زیاد اولیاء سبب بروز اختلالات روانی میگردد و این موضوع بخصوص در مورد رابطه مادران با کودک صدق میکند. این دانشمند اظهار میدارد که علل رفتارهای عصبی و عصیانی و پرخاشجوتی‌های کودکان و جوانان در سایه روابط مادر و کودک بخوبی آشکار میگردد. در این نوع روابط معمولاً مادر گمان دارد که به پاداش تمام فداکاریهایش بچه را تربیت کرده که همانند دیو بدسیرتی است و بنابراین در این فداکاری شکست نصیب او شده است. یکی دیگر از محققین بنام آرتیه Ariete به نتیجه رسیده است که ابتلاء به بیماری وحشتزای شیزوفرنی (یا بقول ناصحیح محققین قدیم جنون جوانی) معلول روابط ناسالمی است که میان کودک و اولیاءش وجود دارد. بنظر او اگرچه روابط اصولی و ممتد در حله اول میان مادر و کودک برقرار میشود ولی نباید اهمیت روابط پدر بابچه را از نظر دور داشت. در این نوع خانواده‌های ناسالم معمولاً مادر دارای شخصیتی است که مرکب شده از خصوصیات

مانند پرخاشجویی و تسلط و اضطراب مزمن و پدر معمولاً آدم بی اراده و ضعیف و خونسردی است (در ایران ممکن است این مطلب معکوس باشد ولی باید منتظر نتایج تحقیقاتی که در آینده صورت میگیرد بود). دیگر از محققین بارزش در این نوع خانم فرام - رایکمن **Framm-reichman** است. او اصطلاح جدیدی بنام مادر شیزوفرینک بوجود آورده بدین معنی که بنظر او مادرهای افراد مبتلا به شیزوفرنی اصولاً خود دارای یکنوع بیماری روانی یا تمایل بان میباشند.

یکی از پدیده‌هایی که در نتیجه رابطه ناسالم اولیاء با کودکان و یا جوانان در امریکا و اروپا از چندین سال قبل در ایران در سالهای اخیر بوجود آمده است و باعث ایجاد دردسر زیادی برای پدر و مادر و اولیاء مدارس و دیگر مقامات شخصی و انتظامی گردیده پدیده عصیان است. فلوگل **Flugel** که در این مورد تحقیقاتی نموده به این نتیجه رسیده است که اولیائی که خیلی سخت گیر و پرخاشجو و یا زیاد از حد علاقمند و مراقب تربیت کودکان خود هستند معمولاً مواجه با عصیان و سرکشی اطفال خود میگردند. پدر خشن و مبتلا به سادیسیم و مسادری مضطرب و مداخله کن معمولاً پسر یا دخترتری عاصی تربیت میکنند و این کودکان و جوانان یسار میگیرند که در برابر خشونت و مداخله بی‌اعتنائی و سرکشی نشان داده و نه تنها نسبت پدیر و مادر خود احترام نگذارند بلکه برای کسانی که مظاهر قدرت و یا آتوریت در حال حاضر و آینده هستند نیز احترامی قائل نباشند (این مطلب یکی از دلایل تمایل جوانان به وارد شدن باحزاب سیاسی و انقلاب بر علیه حکومت‌های موجود و سرپیچی از قانون و تمرد از رهبری بزرگتران می‌باشد) در مورد متدولوژی تحقیق در این موضوع طرق مختلف وجود دارد. یکی از اینها تحلیل آماری گذشته خانواده‌ها و دیگر تحقیقاتی که رابطه میان بیماران روانی و خانواده را در محیط آزادی مثل درمان گروهی مشاهده میکند میباشد. مهمترین نتایجی که از این تحقیقات بدست آمده عبارتند از سردی رفتار و تسلط و محافظت بی‌اندازه اولیاء در مورد کودکان از یکی این نوع تحقیقات که خیلی قدمت دارد و بوسیله کازانین **Kasanin** و نایت **Knight** و سیچ **Sage** انجام گرفت نشان داد که در ۴۵ شیزوفرنی ۷۰ درصد آنها از طرف اولیاء خشونت و سردی دیده‌اند و یا تحت محافظت و توجه بی‌اندازه آنها بودند یکی دیگر از تحقیقات که بوسیله وال **Wahl** صورت گرفت و در آن مشاهده عینی و مصاحبه را بکار برد باین نتیجه رسید که اغلب بیماران روانی از خانواده‌های پر جمعیت هستند زیرا که در خانواده‌های بزرگ مهلت توجه و رسیدگی بهمه کودکان وجود ندارد. البته تحقیقات دیگر مانند کارهای بوسارد **Bossard** و فریمن **Freeman** و گرایس **Grice** نتیجه معکوس داده بدین معنی که نشان داده که در خانواده‌های کوچک مقدار امراض روانی بیشتر است بهر صورت این قضیه هنوز بطور کامل حل نشده است. در یکی دیگر از تحقیقات جالب که بوسیله تحقیق در گذشته خانواده انجام شد پلانک **Plank** مشاهده کرد که ۲۹ نفر از ۵۳ بیمار یا مسن‌ترین ویا تنها کودک خانواده بوده‌اند و بعلاوه

۶۶ درصد پدران و ۳۸ درصد از مادران بیماران قبل از شروع بیماری کودک وفات کرده بودند. روشی که نویسنده در تحقیق این موضوع بکار برد عبارت بود از مقایسه دو دسته از پدران که یکدسته کودکان و جوانان مبتلا به شیزوفرنی داشته و دسته دیگر که برادران دسته اول بودند بچه‌های سالم داشته. در این تحقیق تستهای روانی برای اندازه‌گیری شخصیت بکار برده شد و بعلاوه هر یک از پدران را مدت یکساعت مصاحبه نمود و تستی نیز که نماینده طرز تربیت و فلسفه پرورش کودک است بآنها داده شد. نتایج این تحقیق موید تئوریهای قبلی در این مورد که مبتنی بر خشونت و سردی و عصبانیت پدران بیماران است بود. این تحقیق را میتوان با قدری تغییر در مورد بررسی رفتار اولیاء نسبت بکودکان خود در ایران انجام داد چون بنظر نگارنده شناختن عواملی که در رفتار اولیاء در خانواده‌های ایرانی وجود دارد از عوامل اصلی ناراحتی کودکان و جوانان ما می‌باشد بنابراین جا دارد که این نوع تحقیق یا بوسیله دانشگاه ویا از طرف مراجع مسئول انجام شود.

پایان



شعبه روانشناسی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی